

				بسمه تعالی		مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه	
				امتحانات ارتقای – مرداد ۱۳۹۴		معاونت آموزش و امور حوزه‌ها	
				پاسخنامه مدارس شهرستان		اداره ارزشیابی و امتحانات	
پایه:		۱۰		موضوع:		فلسفه	
تاریخ:		۹۴/۰۵/۱۵		ساعت:		۱۶	
نام کتاب: نه‌ایه المکمه، از اول المرحله الثامنة تا پایان کتاب							
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)							

تستی

۱. کدام احتمال در مورد مجعول علت متصور نیست؟ د ۱۵۶
 ا. ماهیت ☐ ب. وجود ☐ ج. صیوروت ☐ د. معلولیت ☒
۲. القوة الفاعلة إذا قارنت سمیت قدرة الحيوان. ا ۲۲۰
 ا. العلم و المشیة ☒ ب. الصورة و المادة ☐ ج. الاختیار و القوة ☐ د. العلم و الصورة ☐
۳. از نفی کدام یک از گزینه‌ها، نفی سایر اجزاء برای واجب الوجود نتیجه‌گیری می‌شود؟ ج ۲۷۵
 ا. ماده و صورت ذهنی ☐ ب. ماده و صورت خارجی ☐ ج. جنس و فصل ☒ د. اجزاء خارجی ☐
۴. إن الفاعل بما هو فاعل لا غاية لفعله بالحققة إلا د ۱۸۵
 ا. استكمال المادة ☐ ب. صورته العلمية ☐ ج. فعله بما هو فعله ☐ د. ذاته الفاعلة بما هي فاعلة ☒

تشریحی

* الحادث المادی يتوقف فی وجوده إلى علة تفعله نسمیها علة فاعلیة و إلى علة تقبله و نسمیها العلة المادیة و فی الوجود ماهیات ممکنة مجردة عن المادیة و هی لتجردها مستغنیة عن العلة المادیة. ۱۷۰

۱. دو گونه ماهیات و تفاوت آنها را از لحاظ علل بنویسید.

ماهیات مادیه و مجرده که مادیات نیازمند علت مادی هستند به خلاف ماهیات مجرده.

* و هذا الإمكان أمر موجود فی الخارج و لیس اعتباراً عقلياً لاحقاً بماهية الشيء الممكن لأنه يتَّصف بالشدة و الضعف و القرب و البعد. ۱۹۷

۲. ا. هر یک از «هذا الامكان...» و «لیس اعتباراً عقلياً» به کدام نوع امکان اشاره دارند؟ ب. دلیل وجود نوع اول در خارج را توضیح دهید.

ا. به ترتیب امکان استعدادی و امکان ذاتی ب. چون متصف به صفات وجودی همچون شدت و قرب می‌شود پس در خارج موجود است.

* إن الفصل الأخير جامع لجميع کمالات الفصول السابقة و أنه لو تجرد عن المادیة لم تبطل بذلك حقيقة النوع. ۲۱۱

۳. دو خصوصیت «فصل» را بنویسید.

۱. آخرین فصلی که در یک ماهیت تحقق می‌یابد همه کمالات فصل‌های سابق را دارد.

۲. اگر فصل، مجرد از ماده شود نوعش نابود نمی‌شود بلکه در عالم دیگری به حیات خود ادامه می‌دهد.

۴. عبارت «إن من قال بحدوث الزمان فقد قال بقدمه من حيث لا يشعر» را توضیح دهید. ۲۳۲

هر کس قائل به حدوث زمانی شود لازم می‌آید قائل به وجود زمان شود قبل از تحقق آن در خارج و این تناقض است و محال.

* لا ريب في حصول العلم و وجوده للعالم ولكن ليس كل حصول كيف كان بل حصول أمر هو بالفعل فعلية محضة لا قوّة فيه لشيء أصلاً. و مقتضى حضور العلم للعالم أن يكون العالم أيضاً تاماً ذا فعلية. ۲۳۹ فصل اول مرحله حادی عشر

۵. أ. مقصود از حصول معلوم نزد عالم چه نوع حصولی است؟ ب. شرط عالم برای چنین حصولی چیست؟

أ. باید حصولش بالفعل باشد و هیچ گونه قوه‌ای در آن نباشد.

ب. عالم هم باید یک موجود مجرد باشد.

* من السفسطة قول القائل: «إن ما نعهده علوماً ظنون ليست من العلم المانع من النقيض في شيء» و يدفعه أن هذا القول «إن ما نعهده علوماً ظنون» بعينه قضية علمية و لو كان ظنياً لم يفد أن العلوم ظنون. ۲۵۵

۶. أ. با توجه به عبارت، علم و سفسطه را تعریف کنید. ب. وجه دفع را توضیح دهید.

أ. علم: کشفی که احتمال نقیض در آن ممکن نیست. سفسطه: کشفی که احتمال نقیض در او هست.

ب. این سخن سوفسطی (که آن چه را علم می دانیم ظن است) خود نیز یک قضیه است اگر این قضیه علمی است پس سخن او به عنوان قاعده کلی صحیح نیست (چون حداقل یک استثنا دارد و آن هم این سخن شخصی سوفسطی است) و اگر این قضیه نیز علمی نیست پس نمی تواند حرف سائرین را رد کند و ادعای این سخن از او لغو است.

* إن القضية الحملية السالبة مؤلفة من الموضوع والمحمول والنسبة الحكمية السلبية، ولا حكم فيها، لا أن فيها حكماً عديمًا؛ لأن الحكم جعل شيء شيئاً، و سلب الحكم عدم جعله، لا جعل عدمه. ۲۵۱

۷. دلیل نفی «حکم» در قضایای سالبه را توضیح دهید.

حکم عبارتست از اتصاف یک شیء به شیء دیگر، در حالیکه سلب حکم عدم قرار دادن و جعل است نه اینکه شیء را متصف به عدم شیء دیگر قرار دهد. پس در اینجا حکم به سلب نیست بلکه سلب حکم و سلب جعل است.

* إن النفس لمكان كونه مجردة ذاتاً ومادية فعلاً تعقل ذاتها بالفعل وغيرها بخروجها عن القوة إلى الفعل تدريجاً، فلو تجردت تماماً حصلت له جميع التعقلات بالفعل. ۱۱-۲

۸. مدعا و دلیل را شرح دهید.

نفس چون ذاتاً مجرد است پس ذات خود را بالفعل تعقل می کند و اما چون فعلاً مادی است تعقل کردن غیر خودش متوقف بر آن است که به تدریج از قوه به فعل خارج شود به حسب استعدادهایی که کسب می کند تا این که غیر خودش را تعقل کند و وقتی که نفس در سیر تکاملی خود به تجرد تام برسد جميع تعقلات بالفعل برای او حاصل می شود.

* الصفات الفعلية صادقة عليه تعالى صدقاً حقيقياً لكن لا من حيث خصوصيات حدوثها و تأخرها عن الذات المتعالية حتى يلزم التغير فيه، بل من حيث أن لها أصلاً في الذات ينبعث عنه كل كمال و خير. ۱۲/۱۰ ۲۸۸

۹. چگونگی صدق صفات را بر خداوند توضیح دهید.

صفات فعلیه، متأخر از ذات واجب تعالی و زائد بر آن است و از مقام فعل انتزاع می شود و اما صدق آنها بر واجب تعالی صدق حقیقی است البته نه از حیث خصوصیات حدوث و تأخر آنها از ذات تا این که مستلزم تغیر در واجب تعالی باشد بلکه از این حیث که این صفات ریشه‌ای در ذات دارند که از آن هر کمال و خیری منبعث می شود.